

بررسی ساختار قصه‌های پریان کودکان

(با تکیه بر چند افسانه مشهور)

رقیه همتی^۱

چکیده

در این جستار با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی چهار قصه از افسانه‌های ایرانی که شهرت فراوان و شخصیت کودکانه دارند، پرداخته‌ایم و تعداد و توالی خویشکاری آن‌ها را با الگوی ساختاری پراپ مقایسه کرده‌ایم. نتیجه به دست آمده، نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود نکات مشابه در خویشکاری‌ها، توالی آن‌ها تفاوت چشمگیری با الگوی ساختاری پراپ دارد؛ علاوه بر آن بررسی این جنبه از قصه‌های پریان به دریافت قدمت روایت‌های مختلف از یک قصه و نیز قدمت آن نسبت به سایر قصه‌های مشابه نیز تعیین می‌شود. چنان که قصه "گل خندان" با دارا بودن بیشتر خویشکاری‌ها و نیز رعایت توالی آن‌ها، قدیمی‌تر از سه قصه دیگر به نظر می‌رسد و در مرتبه بعدی قصه "دختر نارنج و ترنج" قرار می‌گیرد و دو قصه "ماه‌پیشونی" و "نمکی و دیو بدجنس" دارای روایت جدیدتر و متفاوت‌تری هستند.

کلیدواژه‌ها: افسانه‌های پریان، ریخت‌شناسی، پراپ، الگوی ساختاری، دیرینگی روایت.

مقدمه

قصه‌های پریان از جمله قصه‌های عامیانه‌ای هستند که سینه به سینه نقل شده و از گذشته‌های دور، در طی سفر مکانی و زمانی به دست نسل‌های بعدی رسیده‌اند. توجه به این نوع قصه‌ها از قرن نوزدهم آغاز شد. برادران گریم (ویلهم و یاکوب) قصه‌های عامیانه آلمانی را از روی روایات شفاهی آن‌ها گرد آوردند. بررسی و تحلیل ساختار این قصه‌ها توسط فرمالیست روسی، ولادیمیر پراپ به شکل علمی و بی‌سابقه صورت گرفت. پژوهش‌گران پیش از پراپ قصه‌ها را بر اساس درون‌مایه و مضمون داستان‌ها مورد بررسی قرار می‌دادند، ولی او در کتاب "ریخت‌شناسی قصه‌های پریان" این نوع قصه‌ها را بر اساس اجزای سازنده آن‌ها و روابط متقابل این سازه‌ها با یکدیگر و با کل قصه تحلیل کرد. «می‌توان گفت که بررسی ساختاری داستان، به‌رغم میراثی که از ارسطو تا به امروز به جا مانده، تقریباً از کاری که ولادیمیر پراپ روی حکایات پریان روسی انجام داد، شروع شده است» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۹۱).

«پراپ برای تجزیه و تحلیل قصه‌ها و بررسی روابط متقابل واحدها و الگوی ساختمانی، برای کوچک‌ترین واحد ساختاری اهمیت بسیاری قایل شد و کوچک‌ترین واحد ساختاری قصه را خویشکاری نامید. «خویشکاری یعنی عمل شخصیتی از اشخاص قصه که از نظر اهمیتی که در جریان عملیات قصه دارد، تعریف می‌شود» (پراپ، ۱۳۶۸: ۵۳).

«مواد مورد مطالعه ریخت‌شناسی قصه‌ها، همان اجزای سازا و روابط متقابل آن‌ها با هم و با کل ساختار است. اولین گام در این زمینه تعیین و شناخت واحدهای ساختاری و چگونگی ترکیب آن‌هاست و دانش مورد نیاز در آن نیز در درجه اول، زبان‌شناسی ساختاری است» (قافله‌باشی، ۱۳۸۶: ۱۷). پراپ، در الگوی خود، با دید زبان‌شناختی به دنبال کلیدهای روایت می‌گردد و در این راستا بیش از یکصدویانزده داستان عامیانه روسی را می‌خواند و بر اساس آن‌ها سی‌ویک کارکرد (function) را بیرون می‌کشد. او ادعا می‌کند که فرمولی جامع و کلی مطرح کرده است و داستانی نیست که از این سی‌ویک کارکرد بیرون باشد، ولی در عین حال ممکن است همه این سی‌ویک کارکرد در یک

داستان نباشد (سادتی، ۱۳۸۷: ۵۷).

خویشکاری‌های قهرمانان در الگوی ساختاری پراپ با نمادهای خاصی تعریف شده‌اند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱- صحنه آغازین: α | ۱۷- انتقال مکانی میان دو سرزمین،
راهنمایی: G |
| ۲- غیبت: β | ۱۸- کشمکش: H |
| ۳- نهی: γ | ۱۹- پیروزی: I |
| ۴- نقض نهی: δ | ۲۰- التیام بدبختی آغاز قصه: K |
| ۵- خبرگیری: ϵ | ۲۱- بازگشت: \downarrow |
| ۶- خبردهی: ζ | ۲۲- تعقیب، دنبال کردن: pr |
| ۷- فریب‌دهی: η | ۲۳- رهایی: Rs |
| ۸- هم‌دستی: θ | ۲۴- ادعاهای بی‌پایه: L |
| ۹- شرارت: A | ۲۵- کار دشوار: M |
| ۱۰- نیاز: a | ۲۶- حل مساله: N |
| ۱۱- میانجیگری، رویداد ربط‌دهنده: B | ۲۷- شناختن: Q |
| ۱۲- مقابله آغازین: C | ۲۸- رسوایی: EX |
| ۱۳- عزیمت: \uparrow | ۲۹- تغییر شکل: T |
| ۱۴- نخستین خویشکاری بخشنده: D | ۳۰- مجازات: U |
| ۱۵- واکنش قهرمان: E | ۳۱- عروسی: W* |
| ۱۶- تدارک یا دریافت شی جادو: F | |

پراپ برای هر کدام از سی‌ویک خویشکاری، زیرمجموعه‌هایی را تعریف می‌کند که نشان می‌دهد خویشکاری ممکن است به شکل‌های مختلف انجام پذیرد (پراپ، ۱۳۶۸: ۵۹-۱۳۵).

نگارنده این مقاله، طی یک طرح پژوهشی، با مطالعه ساختار ریخت‌شناسی بیش از پانزده قصه از قصه‌های پریان کودکان ایران که روایت‌های مختلفی از آن‌ها در دست است،

به نتایج قابل تأملی، چه از منظر توالی و تعداد خویشکاری‌ها و چه از جهت قدمت و دیرینگی انواع روایت قصه‌ها دست یافته است. می‌توان گفت هر چه از قدمت روایت یک قصه در یک منطقه خاص کاسته می‌شود، این خویشکاری‌ها در هم ادغام می‌شوند، تقلیل می‌یابند و گاه به شکل فاحشی توالی آن‌ها از بین می‌رود. البته در این مجال اندک به عنوان نمونه به بررسی چهار قصه از انبوه روایت‌های مناطق مختلف که به شکل مکتوب به عنوان افسانهٔ کودکان جمع‌آوری شده است، می‌پردازیم و در انتها نکات افتراق و اشتراک و نیز میزان تطبیق این قصه‌ها را با الگوی پراپ نشان می‌دهیم. شایان ذکر است «الگوی نهایی قصه‌ها» و «توزیع خویشکاری شخصیت‌های قصه‌ها» به ترتیب در جدول شماره (ب - ۱) و (پ - ۱) نشان داده شده است.

این قصه‌ها بر اساس طبقه‌بندی اولریش مارزلف عبارتند از:

نمکی و دیو به شماره A ۳۱۱*، گل خندان به شماره ۴۰۳، نارنج و ترنج به شماره ۴۰۸، ماه پیشونی شماره ۴۸۰.

پیشینه و سؤالات تحقیق

در تلاش برای یافتن پیشینهٔ پژوهش به این نتیجه رسیدیم که در زمینه ریخت‌شناسی قصه‌ها مقالات و پایان‌نامه‌ای ارزشمندی نوشته شده است که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«ریخت‌شناسی هزارویک شب» از محبوبه خراسانی (۱۳۸۳)، «ریخت‌شناسی داستان شیخ صنعان» از فاطمه مجیدی (۱۳۸۴)، «بررسی و نقد توالی خویشکاری‌های قهرمان در نظریهٔ ریخت‌شناسیک پراپ» از خاور قربانی و کیوان گورک (۱۳۹۰)، «ریخت‌شناسی قصهٔ قلعهٔ ذات‌الصور در مثنوی طبق نظریهٔ ولادیمیر پراپ» از مسعود روحانی و سبیکه اسفندیار (۱۳۸۹) و پگاه خدیش در پایان‌نامهٔ دورهٔ دکتری خود به راهنمایی علی‌محمد حق‌شناس در دانشگاه تهران، با عنوان "ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی" (۱۳۸۴) به نتایج ارزنده‌ای در زمینهٔ تعمیم الگوی پراپ بر افسانه‌های جادویی ایرانی دست یافت؛ وی از جمله به عدم توالی یکسان کارکردها در افسانه‌های ایرانی، نیز هم‌پوشانی نقش‌ها و شخصیت‌ها و تفاوت‌های کارکردی میان افسانه‌هایی که جنس حرکتی آن‌ها با هم متفاوت

است و هم‌چنین به نقش مذهب در ایجاد کارکردهای قصه اشاره می‌کند (حق‌شناس و حدیث، ۱۳۸۷: ۳۸).

توجه به قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه کودکان موضوعی است که کمتر مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است. روایت‌های مختلف افسانه‌هایی هم‌چون "نمکی و دیو بدجنس" و "ماه پیشونی" و... را بارها خوانده و شنیده‌ایم بدون این‌که به نکات تشابه و تفاوت آن‌ها از نظر ساختاری توجهی داشته باشیم. لذا این جستار می‌کوشد با رویکردی متفاوت از آنچه تاکنون در مورد قصه‌های ایرانی مد نظر بوده است، با بررسی چهار قصه از قصه‌های پریان ایرانی که قهرمان اصلی آن‌ها کودکان هستند، به شیوه توصیفی-تحلیلی، به پرسش‌های اساسی زیر، پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد؛ از جمله این‌که:

- توالی خویشکاری‌های الگوی ساختاری پراپ با ساختار این چهار قصه به چه میزان قابل تطبیق است؟

- آیا در هر چهار قصه تمام خویشکاری‌ها به شکل ثابت وجود دارند، یا نوع دیگری از خویشکاری را به آن می‌توان اضافه و یا کم کرد یا خویشکاری‌ها قابل ادغام شدن یا بسط دادن هستند؟

- کدام خویشکاری‌ها به شکل کامل در هر چهار قصه تکرار می‌شوند و کدام یک اصلاً در قصه‌های ایرانی وجود ندارد و آیا خویشکاری جدیدی در آن قصه می‌توان یافت؟
- و این‌که آیا وجود تمام خویشکاری‌ها در یک قصه، دلیلی بر قدمت روایت آن قصه نسبت به سایر قصه‌ها می‌تواند باشد یا خیر؟

الف) خلاصه داستان‌ها

الف-۱) دختر ماه‌پیشونی

شهربانو دختر خوانده‌ای ثروتمندی است که در مکتب پیش ملاباجی درس می‌خواند و مادر خود را با شرارت ملاباجی در کوزه سرکه می‌اندازد. ملاباجی با نیرنگ زن‌بابای او می‌شود و شروع به آزار و اذیت شهربانو می‌کند. شهربانو با راهنمایی دیو چاه در صحرا تمام نقشه‌های ملاباجی را نقش بر آب می‌کند و سرانجام هنگام برگشتن از عروسی، پسر پادشاه او را می‌بیند و با به دست آوردن لنگه کفش او سرانجام با او ازدواج می‌کند و

ملاباجی به سزای عمل خود می‌رسد.

الف-۲) نمکی و دیو بدجنس

نمکی با مادرش در خانه‌ای زندگی می‌کند که هفت در دارد. روزی نمکی یادش می‌رود که یکی از درها را ببندد و دیو به خانه آن‌ها راه پیدا می‌کند و او را به قصر خودش در آسمان می‌برد. نمکی با برداشتن دسته‌کلید دیو و شکستن شیشه عمر دیو، تمام زندانیان را آزاد می‌کند و خودش در شکل نمدی در داخل صندوقی به آب رودخانه انداخته می‌شود و سرانجام توسط شاهزاده از آب بیرون کشیده می‌شود و به ازدواج او درمی‌آید.

الف-۳) گل خندان

دو برادر در روستایی زندگی می‌کنند و با هم قرار می‌گذارند که وقتی فرزندانشان به دنیا آمدند آن‌ها را به ازدواج هم دربیآورند. برادرِ نادر روستا را ترک می‌کند و زنش دختری به دنیا می‌آورد که صاحب قدرت‌های جادویی است. پسر عمو در پی جستجوی او قصد ازدواج با او را دارد، ولی خاله‌اش با انداختن گل خندان در چاه، دختر زشتش را به جای گل خندان جا می‌زند. پیرمرد بوته‌چین او را پیدا می‌کند و پس از ماجراهایی دوباره پسرعمو، گل خندان را شناخته و با او ازدواج می‌کند و خاله و دختر خاله را به سزای عملشان می‌رساند.

الف-۴) دختر نارنج و ترنج

شاهزاده با انداختن سنگ بر کاسه پیرزن دچار نفرین او شده و عاشق دختر نارنج و ترنج می‌شود و با بریدن آخرین نارنجی که به‌سختی به دست آورده بود، صاحب او می‌شود؛ ولی کنیز سیاه او را با نیرنگ کشته و با شاهزاده ازدواج می‌کند. درختی از خون دختر نارنج و ترنج می‌روید و پیرزنی از شاخه آن درخت، دوک درست می‌کند و دختر نارنج و ترنج از آن بیرون می‌آید و از طرف دیگر شاهزاده افسرده می‌شود و وقتی که دختر نارنج و ترنج موقع مداوای او، سرگذشت خود را به آینه‌ای می‌گفت، توسط وی شناخته می‌شود و کنیز سیاه به سزای عملش می‌رسد.

ب) تحلیل تطبیقی ساختار ریخت‌شناختی قصه‌ها

اغلب قصه‌ها و افسانه‌های ایران با عبارت "یکی بود یکی نبود، غیر از خدا هیچ کس نبود" شروع می‌شوند و قصه‌های پریان هم از این قاعده مستثنی نیستند. صحنه آغازین قصه بی‌هیچ توصیف و صحنه‌سازی شروع می‌شود. به گفته پراپ «هر قصه معمولاً با یک صحنه آغازین شروع می‌شود» (پراپ، ۱۳۶۱: ۶۰). این، قانون اول یا همان عنصر ثابت در الگوی ریخت‌شناسیک پراپ می‌باشد که بسیار مهم تلقی شده است. «یکی از موضوعات مهمی که در مباحث ریخت‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، توجه به چگونگی آغاز شدن قصه است. هر قصه علی‌القاعده با یک صحنه آغازین شروع می‌شود» (بهنام، ۱۳۱۹: ۱۳۵). در قصه‌های مورد بررسی این تحقیق نیز به‌روشنی به آن پرداخته شده است. نشانه این عنصر a است.

در قصه "نمکی و دیو بدجنس" زنی بود که با تنها دخترش در اتاقی زندگی می‌کرد که هشت در داشت (سلامی، ۱۳۹۱: ۳۵).

"دختر ماه‌پیشانی" عنوان قصه بعدی است که با صحنه آغازین شروع می‌شود: «سال‌ها پیش زن و مردی با هم زندگی می‌کردند که دختر زیبا و خوبی به نام شهربانو داشتند و...» (همان: ۷).

در قصه "گل خندان": «در روستایی دو برادر با هم زندگی می‌کردند که یکی از آن‌ها دارا و دیگری ندار بود و...» (همان، ۱۳۱۹/الف: ۲۱).

به همین ترتیب، در قصه "دختر نارنج و ترنج" «پادشاهی بود که چهل زن داشت و بچه‌ای نداشت، نذر کرد که اگر بچه‌دار شود حوضی پر از عسل کند و به فقرا هدیه کند...» (همان، ۱۳۱۹/ب: ۹۳).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود صحنه آغازین در هر یک از قصه‌ها وجود دارد و هیچ‌گونه تخطی از این قانون صورت نگرفته است. هر چند که خود پراپ آن را خویشکاری به حساب نمی‌آورد.

پس از صحنه آغازین، خویشکاری‌های قصه شروع می‌شود که هر کدام با تعریف خاص و نیز نشانه‌ای قراردادی نشان داده شده‌اند و در قصه‌های پریان کودکان ایران نیز

قابل بررسی و تطبیق است.

ب-۱) یکی از اعضای خانواده از خانه غیبت می‌کند. تعریف: غیبت. نشانه: β. (پراب، ۱۳۶۸: ۶۰). غیبت در هر یک از قصه‌های بررسی شده، به شکلی متفاوت اتفاق می‌افتد.
ب-۱-۱) در قصه‌های "نارنج و ترنج"، "دختر ماه‌پیشونی" و "نمکی و دیو بدجنس" این خویشکاری وجود ندارد.

ب-۱-۲) در قصه "گل خندان"، «برادرِ نادر برای تهیه غذا» (سلامی، ۱۳۸۹: ۲۲) از خانه خارج می‌شود. β۱ نشانه‌ای است که برای تعریف این مورد به کار رفته است.
قابل ذکر است که شماره‌هایی که بعد از نشانه‌ها آمده‌اند، نمایان‌گر گونه‌های مختلف از یک خویشکاری هستند که پراب آن‌ها را متذکر شده است.

فقدان این خویشکاری در سه قصه مذکور حاکی از این امر است که همیشه تمام خویشکاری‌ها در همه قصه‌ها حضور ندارند و احیاناً در طی سفر زمانی و مکانی این خویشکاری از متن قصه حذف شده است و این خود می‌تواند دلیلی بر قدمت قصه "گل خندان" نسبت به سه مورد مذکور باشد. چون تنها در این قصه شاهد این خویشکاری هستیم. همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، در قصه‌های ایرانی، غیبت باعث حرکت داستان نمی‌شود، بلکه مشکل دیگری باعث به وجود آمدن حوادث و یا همان خویشکاری‌های بعدی قصه می‌شود. در قصه "نارنج و ترنج" پسر پادشاه با انداختن سنگ بر کاسه پیرزنی که برای بردن عسل نذری پادشاه آمده است، نفرین شده و به عشق دختر نارنج و ترنج گرفتار می‌شود و حرکت داستان با همان پیدایی عشق، شروع می‌شود. دختر ماه‌پیشونی ندانسته با حرف ملامباجی، مادر خود را در کوزه سرکه می‌اندازد و حرکت داستان از همان جا شروع می‌شود. نمکی نیز با نبستن یک در از هشت در اتاقشان گرفتار دیو بدجنس می‌شود. در هیچ‌کدام از این سه قصه، شاهد خویشکاری غیبت به آن مفهومی که مد نظر پراب بوده، نیستیم.

ب-۲) قهرمان قصه، از کاری نهی می‌شود. تعریف: نهی. نشانه: γ. (پراب، ۱۳۶۸: ۶۱)
ب-۲-۱) در قصه "نمکی و دیو بدجنس" در همان ابتدای ماجرا، شاهد این خویشکاری هستیم. مادر نمکی او را از بازگذاشتن در، باز می‌دارد؛ ولی نمکی یادش می‌رود که یکی از درها را ببندد. ۷۱

ب-۲-۲) در قصه "نارنج و ترنج"، مادر شاهزاده، وی را از رفتن به دنبال دختر نارنج و ترنج بر حذر می‌دارد. ۷۲

ب-۲-۳) در قصه "گل خندان" نیز مادرِ پسرِ دارا، او را از رفتن به دنبال دختر عمویش و ازدواج با او نهی می‌کند. ۷۲

ب-۲-۴) در قصه "دختر ماه پیشونی" شاهد این گونه نهی نیستیم و این خویشکاری وجود ندارد.

ب-۳) نهی، نقض می‌شود. تعریف: نقضِ نهی. نشانه: δ. (همان: ۶۳).

ب-۳-۱) نقض نهی در قصه‌های "دختر نارنج و ترنج"، "گل خندان"، "نمکی و دیو بدجنس" صورت می‌پذیرد.

ب-۳-۲) ولی در قصه "دختر ماه پیشونی" شاهد این نوع خویشکاری نیستیم.

توالی این خویشکاری در قصه‌های مورد بررسی به ترتیبی که پراپ به عنوان سومین خویشکاری از آن نام می‌برد، نیست. البته جابه‌جایی عناصر و خویشکاری قصه‌ها نمی‌تواند دلیلی بر تفاوت بنیادین ساختار آن‌ها با الگوی پراپ تلقی شود. گاه چنان‌که خواهیم دید این خویشکاری‌ها قابل تقلیل و حتی ادغام نیز هستند.

ب-۴) شریر به خبرگیری می‌پردازد. تعریف: خبرگیری. نشانه: ε. (همان: ۶۳)

ب-۴-۱) ملا باجی از دختر ماه پیشونی (شهربانو) در مورد شیوه زندگی او و مادرش خبرگیری می‌کند. ۴۱

ب-۴-۲) کنیز سیاه در "قصه نارنج و ترنج" تمام اطلاعات زندگی دختر نارنج و ترنج را می‌پرسد. ۴۱

ب-۴-۳) دیو بدجنس از نمکی در مورد مهمان‌نوازی و چایی و رختخواب و... خبرگیری می‌کند و می‌خواهد در نهایت نمکی را به دام بیندازد. ۴۲

ب-۴-۴) در قصه "گل خندان" خاله پسر عموی گل خندان به عنوان شریر داستان، هیچ‌گونه خبرگیری نمی‌کند و گویا خود بر همه چیز واقف است و این نکته دیگری است که تفاوت ساختار و احتمال دیرینگی روایت این افسانه را نسبت به دیگر قصه‌ها قوت می‌بخشد.

ب-۵) شریر اطلاعات لازم را در مورد قربانی‌اش به دست می‌آورد. تعریف: خبردهی.

نشانه: ζ. (همان: ۶۵)

ب-۵-۱) در سه قصه "دختر ماه‌پیشونی"، "دختر نارنج و ترنج" و "نمکی و دیو بدجنس"، شخصیت‌های سیاه یعنی ملاباجی و کنیز سیاه و دیو بدجنس به راحتی به اطلاعات لازم دست می‌یابند. ζ۱

ب-۵-۲) ولی در "گل خندان" خاله پسر عمو، همه چیز را از اول می‌دانست و نیازی به خبرگیری نداشت.

ذکر این نکته خالی از لطف نیست که گاه در بررسی خویشکاری‌های قصه‌ها به این نتیجه می‌رسیم که این خویشکاری‌ها به واقع در اثر ادغام بعضی از آن‌ها، قابل کاهش به تعداد اندک هستند؛ زیرا هر جا نهی است، لاجرم نقض نهی به چشم می‌خورد و آن‌گاه که خبرگیری صورت می‌گیرد، به دنبال خبردهی نیز می‌آید. خود پراپ نیز به این امر واقف بوده است و از این نوع خویشکاری‌ها با عنوان زوج یاد می‌کند. (همان: ۶۵)

ب-۶) شریر می‌کوشد قربانی‌اش را بفریبد تا بتواند بر او یا چیزهایی که به وی تعلق دارد، دست یابد. تعریف: فریبکاری. نشانه: η. (همان: ۶۶)

ب-۶-۱) ملاباجی به اغواگری می‌پردازد و شهربانو (ماه‌پیشونی) را می‌فریبد. η۱

ب-۶-۲) کنیز سیاه، هم دختر نارنج و ترنج را می‌فریبد و هم پسر پادشاه را و خاله پسر عموی گل خندان، هم گل خندان را می‌فریبد و هم پسر عمویش را. این‌گونه فریب دادن‌ها به شکل دوگانه تعریفی در ساختار خویشکاری‌های پراپ ندارد و ما آن را به شکل ترکیبی η۳ و η۴ نشانه‌گذاری می‌کنیم. تفاوت بارز این خویشکاری باز هم فرضیه قدمت قصه "گل خندان" را قوت مضاعفی می‌بخشد.

ب-۶-۳) فریب خوردن نمکی توسط دیو بدجنس به شکل آشکار در قصه نیامده است، دیو صبح زود نمکی را بی‌چون و چرا به آسمان و به محل زندگی خود می‌برد.

ب-۷) قربانی فریب می‌خورد و لذا ناآگاهانه به دشمن خود کمک می‌کند. تعریف: هم‌دستی. نشانه: θ. (همان: ۶۷)

دختر ماه‌پیشونی، دختر نارنج و ترنج، نمکی و گل خندان از همه جا بی‌خبر، یاریگر و هم‌دست و هم‌داستان با شریر می‌شوند.

ب-۷-۱) در طی این فریب شهربانو (دختر ماه‌پیشونی) مادر خود را در کوزه سرکه

چند ساله می‌اندازد. θ_1

ب-۷-۲) دختر نارنج و ترنج ناخواسته، کنیز سیاه را از ماجرای زندگی خود، آگاه می‌کند و بدین شکل با او در ماجرای از بین بردن خودش شریک می‌شود. θ_1

ب-۷-۳) نمکی ناخواسته و با دستور مادرش به یاری دیو بدجنس می‌پردازد و برای او وسایل رفاه آماده می‌کند. θ_1

ب-۷-۴) گل خندان نیز به صورت ناخواسته به جای شربت عسل، به هنگام تشنه شدن آب‌نمک را از دست خاله پسرعمویش می‌خورد. θ_1

دغا و دغل عنصری است بسیار قوی که در بیشتر افسانه‌های کودکان نشانی از آن را می‌توان یافت و گویا دلیل آن هشدار به کودک بی‌تجربه باشد که در عالم معصومیت خود غرق است و ذکر آن در طول قصه علاوه بر سرگرم کردن، راه و رسم زندگی را نیز به وی می‌آموزد.

ب-۸) شیر به یکی از اعضای خانواده صدمه یا جراحی وارد می‌سازد. تعریف: شرارت. نشانه: A. (همان: ۶۸)

ب-۸-۱) این خویشکاری در قصه "دختر ماه‌پیشونی" دو بار اتفاق می‌افتد.

ب-۸-۱-۱) با فریبکاری شیر یا همان ملاباجی، مادر شهر بانو (دختر ماه‌پیشونی) در کوزه سرکه می‌افتد. A۷

ب-۸-۱-۲) شیر به شهربانو صدمات جسمانی وارد می‌کند A۶.

ب-۸-۲) این خویشکاری در قصه "نمکی و دیو بدجنس" نیز دو بار اتفاق می‌افتد.

ب-۸-۲-۱) نمکی توسط دیو ربوده می‌شود A۱.

ب-۸-۲-۲) دیو به زور نمکی را برای ازدواج می‌خواهد A۱۶.

ب-۸-۳) این خویشکاری در قصه "گل خندان" نیز سه بار اتفاق می‌افتد.

ب-۸-۳-۱) گل خندان توسط خاله پسر عمو ربوده می‌شود A۱.

ب-۸-۳-۲) شیر، دختر زشت خودش را جانشین گل خندان می‌کند A۱۲.

ب-۸-۳-۳) شیر، گل خندان را پس از درآوردن چشم‌هایش در چاه می‌اندازد. A۶ و A۱۵. در این قصه نیز تکرار یک خویشکاری نشان از دیرینگی آن دارد. کنیزک سیاه،

دختر نارنج و ترنج را می‌کشد. A۲۴.

این خویشکاری از جمله مهم‌ترین خویشکاری‌های قصه به شمار می‌رود که خود پراپ هم بر آن اذعان دارد؛ چرا که نکته عطفی است برای شروع حرکت در قصه. «بنابراین هفت خویشکاری نخستین را می‌توان بخش مقدماتی قصه نامید؛ فاجعه یا گره قصه با عمل شرارت آغاز می‌گردد» (همان: ۶۹).

ب-۹) یکی از افراد خانواده یا فاقد چیزی است یا آرزوی داشتن چیزی را دارد. تعریف: نیاز. نشانه: a (همان: ۷۸).

ب-۹-۱) شهربانو پس از انداختن مادرش در خم سرکه، با تدبیر ملامباجی، نیاز به داشتن مادر را به پدرش ابراز می‌کند. a۱.

ب-۹-۲) پسر پادشاه در اثر شنیدن نام دختر نارنج و ترنج از زبان پیرزن، در آرزوی به دست آوردن اوست. a۱.

ب-۹-۳) پسر عموی گل خندان پس از پیدا کردن قرار داد پدر و مادرش با عمو و زن عمو از یخدان مادر، احساس نیاز به دختر عمو در او شعله می‌کشد. a۱.

ب-۹-۴) در داستان نمکی این احساس نیاز از طرف دیو به شکل آشکار دیده نمی‌شود. بلکه دیو بدون ابراز هیچ‌گونه نیاز، نمکی را ربوده به آسمان می‌برد و این نشان تازگی و تفاوت ساختار روایت این قصه با قصه‌های دیگر است.

ب.۱۰) مصیبت یا نیاز، علنی می‌شود. از قهرمان قصه درخواست و یا دستور داده می‌شود که به اقدام پردازد؛ به او اجازه داده می‌شود که برود و یا به مأموریت گسیل می‌شود. تعریف: میانجیگری، رویداد ربط‌دهنده. نشانه: B (همان: ۱۰)

ب-۱۰-۱) پسر پادشاه در قصه نارنج و ترنج، علی‌رغم نهی مادر به دنبال دختر به راه می‌افتد. B ۲. شاید بتوان این قصه را پس از "گل خندان" در رتبه دوم از نظر قدمت قرار داد.

ب-۱۰-۲) پسر عموی گل خندان نیز همین‌طور به دنبال دختر عمویش به راه می‌افتد. B۲.

ب-۱۰-۳) در قصه "ماه‌پیشونی" و "نمکی و دیو بدجنس" این خویشکاری دیده نمی‌شود.

ب-۱۱) جستجوگر موافقت می‌کند یا تصمیم می‌گیرد که به مقابله پردازد. تعریف:

مقابله آغازین. نشانه: C. (همان: ۱۴)

ب-۱۱-۱) در دو قصه "دختر نارنج و ترنج" و "گل خندان" قهرمان جستجوگر به جستجو می‌پردازند. C. و این دلیل دیگری است بر قدمت روایت این دو قصه نسبت به دو قصه دیگر؛ زیرا در دو نمونه دیگر این خویشکاری به چشم نمی‌خورد.

ب-۱۲) قهرمان، خانه را ترک می‌گوید. تعریف: عزیمت. نشانه: A. (همان: ۱۴)
این خویشکاری غیر از خویشکاری نقض نهی است؛ جایی است که حرکت قهرمان داستان شروع می‌شود، چه به صورت جستجوگر و یا غیر از آن. «حرکت‌ها با تعادل حکایت‌ها در پیوند هستند، زیرا تعادل حکایت‌ها با رخ دادن اتفاق یا مشکلی به هم می‌خورد که در ادامه حکایت، ممکن است دوباره تعادل اولیه برقرار شود یا به همان صورت، حکایت به پایان برسد و این به هم خوردن تعادل می‌تواند نقطه آغازی برای حرکتی دیگر باشد» (پارسا، ۱۳۸۹: ۵۳).

ب-۱۲-۱) پسر پادشاه در قصه "نارنج و ترنج"، و پسر عموی گل خندان در "گل خندان" در جستجوی معشوق حرکت می‌کنند. ↑

ب-۱۲-۲) نمکی در قصه "نمکی و دیو بدجنس" حرکت خودش را در خانه دیو و بعد از خواب کردن وی آغاز می‌کند. ↑

ب-۱۲-۳) شهربانو (ماه پیشونی) با سر کار فرستاده شدنش توسط نامادری، حرکت خود را در قصه آغاز می‌کند. ↑

با این بررسی، شباهت ساختار "گل خندان" و "دختر نارنج و ترنج" و نیز قدمت روایت آن‌ها بار دیگر آشکار می‌شود.

ب-۱۳) قهرمان آزمایش می‌شود، یا مورد پرسش قرار می‌گیرد، یا مورد حمله واقع می‌شود و مانند این‌ها، که همه راه را برای این‌که وی وسیله جادویی یا یاریگری را دریافت دارد، هموار می‌سازد. تعریف: نخستین خویشکاری بخشنده. نشانه: D (همان: ۱۶)
و این نوع خویشکاری به شکل قوی و به شیوه‌های مختلف در اغلب قصه‌های پریان ایران دیده می‌شود.

ب-۱۳-۱) پسر عموی گل خندان، خودش، گل خندان را بدون راهنمایی بخشنده (=یاری‌گر) پیدا می‌کند، از این رو فاقد این خویشکاری است. تفاوت روایت در این قسمت

داستان نیز با سایر قصه‌ها بارز است.

ب-۱۳-۲) پسر پادشاه برای یافتن دختر نارنج و ترنج از راهنمایی درویش و یا همان بخشنده استفاده می‌کند. D ۲.

ب-۱۳-۳) در قصه ماه پیشونی این خویشکاری دو بار اتفاق می‌افتد:

ب-۱۳-۱) گاو زرد که از خم سرکه درآمده است و در واقع مادر شهربانو است، به شهربانو کمک می‌کند تا تمام نخ‌های نامادری را بریسد. علاوه بر این دیو داخل چاه از شهربانو سؤال‌هایی می‌کند و چون با راهنمایی‌های گاو زرد به آن‌ها پاسخ صحیح می‌دهد، پاداش خود را می‌گیرد و با شستن صورتش در چاه دیو، یک ماه در پیشانی و یک ستاره در چانه‌اش به وجود می‌آید. D ۲.

ب-۱۳-۳-۲) در این قصه نوع دیگری از همین خویشکاری دیده می‌شود، بدین‌گونه که دیو چاه از ماه‌پیشانی می‌خواهد تا پس از کشته شدن همزاد گاو زرد - که مادرش است - از گوشتش نخورد و استخوان‌هایش را در طویله چال کند. D ۳.

تکرار یک خویشکاری نیز موردی دیگری است که در روایت افسانه‌های پریان کودکان ایران که دارای یک حرکت هستند، دیده می‌شود که پراپ اشاره‌ای به آن نکرده است.

ب-۱۳-۴) زندانیان دیو بدجنس از نمکی می‌خواهند تا آن‌ها را در قبال دادن چیزی، از زندان آزاد کند. D ۴

ب-۱۴) قهرمان در برابر کارهای بخشنده آینده، واکنش نشان می‌دهد. تعریف: واکنش قهرمان. نشانه E (همان: ۹۲)

این خویشکاری در نتیجه و یا همان ادامه خویشکاری پیشین است و در هر سه قصه مورد بحث وجود دارد. در گل خندان این خویشکاری وجود ندارد، چون عملاً بخشنده‌ای وجود ندارد.

ب-۱۴-۱) پسر پادشاه بنا به راهنمایی‌های پیرمرد درویش، از جنگل عبور می‌کند و به ماده‌دیوی می‌رسد و از او نشانی دختر نارنج و ترنج را می‌پرسد و بالاخره در پی راهنمایی‌های دیو پیر، به نارنج‌ها می‌رسد. E ۲

«یکی از شخصیت‌های نوعی شرقی، هر چند که منحصرأ ایرانی نیست، درویش است... وی اغلب به‌عنوان مددکار و مساعد یا حداقل به‌عنوان واسطه وارد ماجرا می‌شود»

(مارزلف، ۱۳۹۱: ۴۲).

ب-۱۴-۲) این خویشکاری در قصه نمکی و دیو بدجنس دو بار تکرار شده است:
ب-۱۴-۲-۱) نمکی با شکستن شیشه عمر دیو بدجنس، زرگر و یزاز و نجار و نمدمال را از زندان دیو آزاد می‌کند و آن‌ها نیز متقابلاً به قول خود در قبال نمکی وفادار می‌مانند.
E۴.

ب-۱۴-۲-۲) نمکی با تدابیر خود دیو بدجنس را از میان برمی‌دارد. E۹.
ب-۱۴-۳) شهربانو با عوامل جادویی که بدان‌ها دست یافته است از جمله گاو زرد، دیو چاه و خروسی که دیو برای کمک کردن به او می‌دهد، به اهداف خود دست می‌یابد و دشمنش (نامادریش) را ناکام می‌گذارد. E۹

ب-۱۵) قهرمان، اختیار استفاده از یک عامل جادو را به دست می‌آورد. تعریف: تدارک یا دریافت شیئی جادو. نشانه: F. (همان: ۹۴)

ب-۱۵-۱) پسر پادشاه برای یافتن دختر نارنج و ترنج از اسب تیزپروازی استفاده می‌کند که با راهنمایی دیو پیر، به آن دست یافته است. F۲

ب-۱۵-۲) در قصه "نمکی و دیو بدجنس" نیز نمد توسط شخص نمدمال که زندانی قصر دیو بدجنس بوده، به نمکی بخشیده می‌شود. F۱

ب-۱۵-۳) این خویشکاری در قصه ماه‌پیشونی دو بار اتفاق می‌افتد:

ب-۱۵-۳-۱) گاو زرد وقتی گریه دختر ماه‌پیشونی (شهربانو) را می‌شنود به شکل ناگهانی در رسیدن پنبه‌ها به وی کمک می‌رساند. F۶

ب-۱۵-۳-۲) نیز عامل جادویی با راهنمایی دیو چاه، به شهربانو (ماه‌پیشونی) بخشیده می‌شود؛ از جمله خروس، گاو همزاد گاو زرد، از همه مهم‌تر، ماه و ستاره‌ای که در صورتش می‌درخشد. F۲

ب-۱۵-۴) کبوتران به صورت ناگهانی در قصه گل خندان ظاهر می‌شوند و با صحبت کردن با همدیگر به وی یاری می‌رسانند؛ از جمله این‌که زمان تولد وی با بوسیدنش، نیرویی در او به وجود می‌آورند که موقع خندیدن، گل از دهانش می‌ریزد و زمان راه رفتن سکه زیر پایش ریخته می‌شود. هم‌چنین چشم‌هایش را که خاله پسر عمویش از حدقه درآورده بود، شفا پیدا می‌کند. F۶. تکرار این خویشکاری نیز باعث تفاوت ساختار

افسانه‌های ایران با الگوی ساختاری پراپ است.

ب-۱۶) قهرمان به مکان چیزی که در جستجوی آن است، انتقال داده می‌شود، یا راهنمایی می‌شود. تعریف: انتقال مکانی میان دو سرزمین، راهنمایی. نشانه: G (همان: ۱۰۷)
ب-۱۶-۱) پسر پادشاه سوار بر اسب به سرزمین دختر نارنج و ترنج انتقال می‌یابد.
G۱

ب-۱۶-۲) گاو زرد، شهربانو را برای رفتن به پیش دیو چاه و سرزمین او، راهنمایی می‌کند. G۳.

ب-۱۶-۳) نمکی توسط خود دیو به آسمان پرواز داده می‌شود و به سرزمین دیو بدجنس انتقال پیدا می‌کند. G۱

ب-۱۶-۴) در قصه گل خندان پسر عمو به صورت معمولی و اتفاقی به قلعه عمویش می‌رسد. این خویشکاری در این قصه قابل تفکیک با خویشکاری حرکت نیست.

ب-۱۷) قهرمان را داغ می‌کنند. تعریف: داغ‌کردن، نشان گذاشتن. نشانه: J. (همان: ۱۱۰)
این گونه خویشکاری در قصه‌های مورد بررسی ما وجود ندارد.

ب-۱۸) شریر شکست می‌خورد. تعریف: پیروزی. نشانه: I. (همان: ۱۱۱)
در اغلب قصه‌های پریان، پایان قصه با پیروزی شخصیت سفید قصه به پایان می‌رسد و در واقع پایان لذت‌بخش برای بیشتر شخصیت‌های نیکوکار قصه، رقم می‌خورد و شرور نتیجه شرارت خود را دیده و شکست می‌خورد و کودک مخاطب با آن حس هم‌ذات‌پنداری کرده و طعم شیرین پیروزی را به همراه قهرمان قصه می‌چشد.

ب-۱۸-۱) کنیزک سیاه پس از پیدا شدن دختر نارنج و ترنج، در بازی زندگی‌اش باخته و به سزای عملش می‌رسد. I

ب-۱۸-۲) نمکی با پیدا کردن شیشه عمر دیو و شکستن آن به زندگی وی خاتمه می‌دهد. I۵.

ب-۱۸-۳) ملاباجی بالاخره هنگام ازدواج ماه‌پیشونی با پسر پادشاه، تمام حیل‌هایش را به کار می‌بندد، ولی در نهایت نقشه‌هایش شکست می‌خورد. I.

ب-۱۸-۴) خاله پسرعموی گل خندان نیز هنگام پیدا شدن گل خندان، رسوا شده و شکست می‌خورد. I

- ب-۱۹) بدبختی یا مصیبت یا کمبود آغاز قصه، التیام می‌پذیرد. نشانه: K. (همان: ۱۱۲)
- ب-۱۹-۱) در قصه گل خندان این خویشکاری دوبار اتفاق می‌افتد:
- ب-۱۹-۱-۱) گل خندان، چشمان خود را با فریفتن خاله پسرعمویش و خریدن آن‌ها توسط پیر مرد، به دست می‌آورد. K ۳.
- ب-۱۹-۱-۲) و یک بار دیگر هم، با شناختن گل خندان در ماجرای پرورش اسب‌ها، پسر عمو به دخترعمویش دست می‌یابد. K۴.
- ب-۱۹-۲) نمکی شیشه عمر دیو را به دست می‌آورد و با کوبیدن آن به زمین، به زندگی دیو خاتمه می‌دهد. K ۲. باز هم تکرار خویشکاری در چند جای قصه قابل تأمل است و این امر تفاوت افسانه‌های ایرانی با افسانه‌های سایر سرزمین‌ها را آشکار می‌کند.
- ب-۱۹-۳) پسر پادشاه، دختر نارنج و ترنج را وقتی که دختر ماجرای زندگی خود را به آینه می‌گوید، می‌شناسد؛ بدین ترتیب بر او دست می‌یابد. K۴.
- ب-۱۹-۴) پسر پادشاه، لنگه کفش ماه‌پیشونی را پیدا می‌کند و سرانجام با جستجوی فراوان به پای وی راست می‌آید و بدین‌گونه، بر ماه‌پیشانی دست می‌یابد. K۴.
- ب-۲۰) قهرمان بازمی‌گردد. تعریف: بازگشت. نشانه: ↓. (همان: ۱۱۷)
- ب-۲۰-۱) پسر پادشاه پس از چیدن نارنج‌ها از همان راه که رفته بود به سرزمین خود برمی‌گردد. ↓
- ب-۲۰-۲) نمکی پس از آزاد کردن زندانیان دیو بدجنس، به نمدی پیچیده شده و داخل جعبه‌ای قرار می‌گیرد و به آب رودخانه انداخته می‌شود و بدین ترتیب به سرزمین خود برمی‌گردد. ↓
- ب-۲۰-۳) گل خندان پس از به دست آوردن بینایی‌اش و پرورش اسب پسرعمویش، شناخته شده و پیش وی برمی‌گردد. ↓
- ب-۲۰-۴) ماه‌پیشانی پس از گرفتن هدیه در سرزمین دیو چاه، به خانه‌شان برمی‌گردد. ↓
- ب-۲۱) قهرمان تعقیب می‌شود. تعریف: تعقیب، دنبال کردن. نشانه: Pr. (همان: ۱۱۷)
- این نوع خویشکاری در هیچ یک از قصه‌های مورد بحث ما به چشم نمی‌خورد.
- ب-۲۲) رهایی قهرمان از شر تعقیب‌کننده. تعریف: رهایی. نشانه: RS. (همان: ۱۱۹)

به دلیل عدم تعقیب شدن قهرمان در قصه‌های مورد بحث، این خویشکاری وجود ندارد. بنا به گفتهٔ پراپ با رهایی قهرمان از دست تعقیب‌کننده، گاه قصه به پایان می‌رسد؛ ولی در بسیاری از موارد دوباره با به وجود آمدن کاستی و یا مصیبت جدید برای قهرمان، قصه وارد حرکتی تازه می‌شود و این موجب به وجود آمدن قصه‌های چند حرکتی می‌شود که در این مقاله نیز قصه‌های مورد بحث، با دو حرکت مواجه هستند که در ادامه به آن می‌پردازیم.

ب-۲۳) قهرمان ناشناخته به خانه یا سرزمین دیگر می‌رسد. تعریف: رسیدن به ناشناختگی. نشانه: O. (همان: ۱۲۵)

ب-۲۳-۱) دختر نارنج و ترنج به شکل ناشناخته به خانهٔ پیرزن می‌رود و در نهایت به دربار پادشاه راه می‌یابد و با تعریف کردن قصهٔ خود به آینه به وصال پسر پادشاه می‌رسد. O.

ب-۲۳-۲) نمکی که در صندوقچه‌ای قرار داده می‌شود و به آب انداخته می‌شود، وارد سرزمینی می‌شود که پسر پادشاه مشغول ماهیگیری است و بدین ترتیب پس از چندی با پسر پادشاه ازدواج می‌کند. O

ب-۲۳-۳) شهربانو یا همان دختر ماه پیشونی، به شکل ناشناس به مجلس عروسی می‌رود و هنگام بازگشت، پسر پادشاه که از شکار بازمی‌گشت او را می‌بیند و با پیدا کردن لنگهٔ کفش او با او ازدواج می‌کند. O

ب-۲۳-۴) گل خندان پس از انداخته شدن در چاه، توسط پیرمردی نجات می‌یابد و به سرزمین او منتقل می‌شود. O

ب-۲۴) قهرمان دروغینی ادعاهای بی‌پایه می‌کند. تعریف: ادعاهای بی‌پایه. نشانه: L. (همان: ۱۲۵)

ب-۲۴-۱) ملاباجی به دروغ، دختر خود را به جای ماه پیشونی برای خواستگاریهای پادشاه معرفی می‌کند. L.

ب-۲۴-۲) کنیزک سیاه ادعا می‌کند که دختر نارنج و ترنج است و آفتاب او را سیاه سوخته کرده است. L.

ب-۲۴-۳) خالهٔ پسرعموی گل خندان، دختر زشتش را به جای گل خندان به همه

معرفی می‌کند و ادعا می‌کند که هر از گاهی او قادر است از زیر پاهایش طلا و جواهر و از دهانش گل سرخ بریزد. L.

ب-۲۴-۴) در قصه نمکی و دیو بدجنس این خویشتکاری به چشم نمی‌خورد.

ب-۲۵) انجام دادن کار دشواری از قهرمان خواسته می‌شود. تعریف: کار دشوار.

نشانه: M. (همان: ۱۲۶)

ب-۲۵-۱) نمکی فقط شیشه عمر دیو را شکسته و رها می‌شود و در قسمت پایانی

قصه، کار دشواری به او محول نمی‌شود.

ب-۲۵-۲) گل خندان برعهده می‌گیرد تا یکی از اسب‌های لاغر پسر عمویش را فربه

کرده و به او برگرداند. M.

ب-۲۵-۳) دختر نارنج و ترنج به هنگام بیماری شاهزاده ادعا می‌کند که می‌تواند با

ساختن زنجیر آبگین او را شفا بخشد. M.

ب-۲۵-۴) دختر ماه پیشانی با اذیت‌های ملاباجی مدام مجبور است کارهای دشوار

انجام دهد که در قسمت پایانی قصه نیز مجبور است دانه‌های حبوبات را از هم جدا کند که

با استفاده از خروسی که دیو به او می‌دهد، موفق به انجام این کار دشوار می‌شود. M.

ب-۲۶) مأموریت انجام می‌گیرد و مشکل حل می‌شود. تعریف: حل مسئله. نشانه: N.

(همان: ۱۲۸)

ب-۲۶-۱) اسب لاغر پسرعموی گل خندان، برخلاف تصور وی چاق شده و تحویل

پسرعمو داده می‌شود. N.

ب-۲۶-۲) دختر نارنج و ترنج با تعریف کردن ماجرای خودش به آینه، به بیماری پسر

پادشاه که از دوری‌اش مریض شده بود پایان می‌بخشد. N.

ب-۲۶-۳) دختر ماه‌پیشونی با کمک خروس از عهده کار سخت برمی‌آید و... N.

ب-۲۷) قهرمان شناخته می‌شود. تعریف: شناختن. نشانه: Q. (همان: ۱۲۹)

ب-۲۷-۱) نمکی با استفاده از انگشتری که هنگام پختن شیرینی در داخل آن گذاشته

بود، توسط پسر پادشاه شناخته می‌شود. Q.

ب-۲۷-۲) دختر ماه‌پیشونی به کمک لنگه کفشش که توسط شاهزاده پیدا شده،

شناسایی می‌شود. Q.

ب-۲۷-۳) دختر نارنج و ترنج با تعریف کردن سرگذشت خود به آینه، توسط شاهزاده شناسایی می‌شود. Q

ب-۲۷-۴) گل خندان هنگام برده شدن اسب، با حرف زدن با اسب، از روی صدایش توسط پسرعمویش شناخته می‌شود. Q.

ب-۲۸) قهرمان دروغین یا شریر رسوا می‌شود. تعریف: رسوایی. نشانه: EX. (همان: ۱۲۹)

ب-۲۸-۱) در قصه نمکی و دیو بدجنس قهرمان دروغین وجود ندارد.

ب-۲۸-۲) ملا باجی که می‌خواست دختر خودش را به جای ماه‌پیشونی جا بزند، با افشاگری خروس که می‌گوید: ماه‌پیشونی در تنور است، رسوا می‌شود. EX.

ب-۲۸-۳) کنیزک سیاه پس از تعریف ماجرا، توسط دختر نارنج و ترنج، پیش شاهزاده و درباریان رسوا می‌شود. EX.

ب-۲۸-۴) پس از شناخته‌شدن گل خندان، خاله و دخترخاله پسرعمویش رسوا می‌شوند. EX.

ب-۲۹) قهرمان شکل و ظاهر جدیدی پیدا می‌کند. تعریف: تغییر شکل. نشانه: T (همان: ۱۳۰)

ب-۲۹-۱) نمکی از شکل نمدی که پاهایش چوبی بود، به شکل آدمیزاد درمی‌آید. T۳.

ب-۲۹-۲) دختر ماه‌پیشونی با لباس‌های زیبایی که از دست دیو چاه می‌گیرد، وارد قصر شاهزاده شده و با او ازدواج می‌کند. T۳.

ب-۲۹-۳) در قصه دختر نارنج و ترنج این خویشکاری وجود ندارد.

ب-۲۹-۴) گل خندان با هر قدمی که برمی‌دارد از زیر پایش تکه‌های طلا و نقره بیرون می‌ریزد. T۲.

ب-۳۰) شریر مجازات می‌شود. تعریف: مجازات. نشانه: U. (همان: ۱۳۱)

ب-۳۰-۱) در پایان قصه نمکی، شریری وجود ندارد که مجازات شود، بلکه دیو بدجنس که شخصیت شریر قصه است، در وسط قصه توسط خود نمکی از بین می‌رود.

ب-۳۰-۲) کنیزک سیاه در قصه "نارنج و ترنج" به سزای عملش می‌رسد و او را به

دُم اسب بسته و در صحرا رها می‌کنند. U.

ب-۳۰-۳) در قصه گل خندان نیز، گیس خاله و دخترخاله را به اسبی بسته و در صحرا رها می‌کنند. U.

ب-۳۰-۴) ملا باجی و دخترش به دستور پادشاه از شهر رانده شدند. U.

ب-۳۱) قهرمان عروسی می‌کند و بر تخت پادشاهی می‌نشیند. تعریف: عروسی. نشانه W. (همان: ۱۳۲)

ب-۳۱-۱) شاهزاده با نمکی ازدواج کرده و به خوبی و خوشی با هم زندگی می‌کنند. W *

ب-۳۱-۲) شاهزاده با دختر نارنج و ترنج عروسی می‌کند. W.

ب-۳۱-۳) گل خندان با پسر عمویش ازدواج می‌کند. W.

ب-۳۱-۴) دختر ماه پیشونی با شاهزاده ازدواج می‌کند. W.

جدول (ب - ۱): الگوی نهایی قصه‌ها

$\zeta \eta \eta \theta \lambda A \zeta a \uparrow B \uparrow C \uparrow \uparrow E \uparrow G \uparrow O \downarrow I K \zeta WUXEQNM^*$ $a \gamma \zeta \delta$	دختر نارنج و ترنج
$\gamma \lambda \delta \zeta \theta \lambda A \lambda A \uparrow \uparrow D \uparrow C \zeta E \zeta E \zeta F \uparrow G \uparrow O \downarrow I \circ K \uparrow TQM \zeta W^*$ a	نمکی و دیو بدجنس
$F \uparrow F \uparrow G \uparrow O \downarrow I K \zeta TXEQNM \zeta WU^*$ $a \zeta \eta \theta \lambda A \zeta a \uparrow D \uparrow \uparrow D \zeta E \eta$	دختر ماه پیشونی
$\zeta \theta \lambda A \lambda A \uparrow \uparrow A \uparrow \uparrow a \uparrow B \uparrow F \uparrow C \uparrow O \downarrow I K \zeta K \zeta WUXEQNM^*$ $a \beta \gamma \zeta \eta \delta \zeta \eta$	گل خندان

پ) توزیع خویشکاری قصه‌ها بر اساس شخصیت‌های قصه

شخصیت‌ها در قصه‌ها جزو عناصر متغیر هستند. «اشخاص داستان، عامل یا معلول رخدادهای هستند؛ یعنی آن‌ها یا اعمال را انجام می‌دهند یا رخدادهای برایشان پیش می‌آید و به هر جهت معنای خود را از نسبتی که با آنان دارند به دست می‌آورند. از سوی دیگر بدون وقایع، داستان و شخصیت داستانی موجودیت نمی‌یابد، بنابراین همواره باید به رابطه

دوجانبه و تنگاتنگ شخصیت و طرح داستان توجه داشت» (اخلاقی، ۱۳۷۷: ۱۶۸).

پراپ شخصیت قصه‌های پریان روسی را به هفت دسته کلی تقسیم کرد. ۱. قهرمان؛ ۲. شاهدخت (زنی نیکوکار)؛ ۳. بخشنده یا پیش‌گو؛ ۴. یاوران و دوستان قهرمان؛ ۵. فرستنده که قهرمان را به مأموریت می‌فرستد؛ ۶. بدکار و شریر؛ ۷. قهرمان دروغین یا شیاد (احمدی، ۱۳۸۰: ۱۴۵). او از بررسی بیش از یکصد قصه پریان، بدین نتیجه دست یافت که خویشکاری‌ها، ثابت‌های مکرر قصه‌ها هستند، ولی شخصیت‌ها عناصر متغیرند. همو می‌گوید: «تحقیق نشان می‌دهد که رخداد مکرر خویشکاری‌ها حیرت‌آور است. شخصیت‌های یک قصه، هر اندازه که امکاناً متفاوت از یکدیگر باشند، اغلب کارها و عملیات یکسانی را انجام می‌دهند» (پراپ، ۱۳۶۱: ۵۱). پراپ خویشکاری‌های یک قصه را در مرکز توجه خود قرار داد و معتقد بود، این‌که اشخاص قصه چه می‌کنند، اهمیت اساسی دارد و این‌که چه کسی چه کاری را انجام می‌دهد، در درجه دوم اهمیت است (همان‌جا). با این وجود آنچه در هنگام بررسی خویشکاری قصه‌ها جلب توجه می‌کند، توزیع آن‌ها در بین شخصیت‌های داستانی است؛ بدین‌معنا که مثلاً گاه یک خویشکاری در قصه‌ای توسط قهرمان و در قصه‌ای دیگر توسط شاهزاده‌خانم انجام می‌پذیرد؛ نیز یک شخصیت در جاهای مختلف قصه، انجام چندین خویشکاری را بر عهده دارد. بررسی این بُعد از شخصیت قصه‌ها می‌تواند در مطالعات مردم‌شناسی حایز اهمیت باشد که از حوصله این مقال خارج است. لیکن جهت روشن شدن تعداد دقیق خویشکاری‌های شخصیت قصه‌های مورد بحث و این‌که حوزه عملیات هر شخصیت متشکل از کدام خویشکاری است، در جدول زیر به ذکر آن‌ها اکتفا می‌شود.

جدول (پ - ۱): توزیع خویشکاری شخصیت‌ها:

دختر نارنج و ترنج	گل خندان	نمکی و دیو بدجنس	دختر ماه‌پیشونی
aB \uparrow EFGH λ \uparrow γ δ θ GIK \downarrow QUW	aB \uparrow EFGHIJK \uparrow S δ θ RT	aBEFHIJ \uparrow δ θ K \uparrow OMN	a \uparrow EFGFHIK θ ϵ δ MT \downarrow
دختر نارنج و ترنج/NT	-	شاهزاده/W/Q	شخصیت شاهزاده/W/U
D	D/SR	D	DFG
یاوران و دوستان قهرمان	GKQUW β γ	GK γ	GQ
فرستنده	پسر عمومی گل خندان که یاور اوست. نیز خود گل خندان.	-	-
بدکار و شریر	A/RP ϵ ζ η θ λ	A ϵ ζ η	AB λ A ϵ ζ η
قهرمان دروغین شورور است.	L/XE	-	L/XE

توزیع فراوانی خویشکاری‌ها نشان می‌دهد که در افسانه‌های پریان کودکان ایرانی، قهرمان‌ها در مرکز توجه راویان قصه‌ها بوده‌اند و مقابلهٔ شریر با قهرمان باعث شده است پس از قهرمان، شریر خویشکاری‌های زیادی انجام می‌دهد. یاوران و دوستان قهرمان در مرتبهٔ بعدی و در نهایت، یاری‌گران، خویشکاری‌های بسیار معدودی را بر عهده دارند. گاه خویشکاری‌ها چنان هم‌پوشانی با شخصیت‌های قصه‌ها دارند که یک شخصیت در یک زمان هم شریر است و هم یاریگر. گاه یک شخصیت، هم بخشنده است و هم یاریگر. شریر خود قهرمان دروغین نیز است و یا برعکس، یک خویشکاری را چندین قهرمان انجام می‌دهند و یا حتی یک خویشکاری را شخصیت واحدی چندین بار انجام می‌دهد. نیز در

قصه‌های مورد بحث، بعضی از شخصیت‌ها حضور ندارند، مثل شاهدخت. بنابراین معلوم می‌شود که بنا بر اعتقاد پراپ شخصیت‌های قصه در درجه فرعی اهمیت هستند و آنچه مهم است خویشکاری شخصیت‌های قصه‌هاست.

نتیجه

- بنا بر آنچه گذشت می‌توان چنین نتیجه گرفت:
- هر چهار قصه دارای وضعیت آغازین هستند.
 - ساختار قصه‌های پریان کودکان ایرانی، با اندکی تغییر، قابل تطبیق با الگوی پراپ است.
 - توالی خویشکاری‌ها با آنچه پراپ در ریخت‌شناسی قصه‌ها متذکر می‌شود، همیشه یکسان نیست و هم‌چنین این توالی از قصه‌ای به قصه دیگر متفاوت است. گاه یک خویشکاری چند بار تکرار می‌شود که در متن اشاره شده است.
 - گاه برخی خویشکاری‌ها به شکل دوگانه در قصه‌های ایرانی به چشم می‌خورند که در بین خویشکاری‌هایی که پراپ برمی‌شمارد، یاد نشده است؛ مثلاً خاله پسرعموی گل خندان، هم پسرعمو را می‌فریبد و هم گل خندان را و ما برای آن شکل جدیدی از علامت را در الگوی نهایی قصه‌ها در نظر گرفتیم.
 - خویشکاری‌ها گاه آن‌چنان درهم‌تنیده شده‌اند که قابلیت تقلیل، ادغام و حتی حذف شدن را دارند. مثلاً هر جا نهی هست به دنبالش نقض نهی هم می‌آید.
 - در قصه‌های مورد بررسی، گاه خویشکاری‌هایی را که پراپ برمی‌شمارد، اصلاً وجود ندارند که ما در متن مقاله به آن‌ها اشاره کرده‌ایم.
 - هر چهار داستان از پایان کاملاً یکسانی برخوردارند.
 - به احتمال زیاد به لحاظ قدمت و دیرینگی قصه «گل خندان» و آن‌گاه «دختر نارنج و ترنج» در ردیف اول و دوم قرار می‌گیرند؛ بنا به دلایلی که در متن اشاره کرده‌ایم.
 - و کشف مادرالگوی (*Kw↓O↑Aθa) این چهار قصه و تعمیم آن به سایر افسانه‌های پریان کودکان ایران، هدف نهایی این تحقیق بود که تا حدودی به آن دست یافتیم.

پی‌نوشت

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان «بررسی ساختار قصه‌های پریان کودکان بر اساس الگوی ساختاری پراپ» است که در دانشگاه پیام نور استان آذربایجان شرقی انجام یافته است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: آگه.
۲. احمدی، بابک. (۱۳۸۰). ساختار و تأویل متن. ج ۵. تهران: مرکز.
۳. اخلاقی، اکبر. (۱۳۷۷). تحلیل ساختاری منطق الطیر. اصفهان: فردا.
۴. پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). ریخت‌شناسی قصه‌های پریان. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: توس.
۵. سلامی، علی. (۱۳۸۹). دختر نارنج و ترنج. ج ۲. تهران: پیام محراب.
۶. _____ . (۱۳۸۹). گل خندان. ج ۲. تهران: پیام محراب.
۷. _____ . (۱۳۹۱). دختر ماه‌پیشانی. ج ۳. تهران: پیام محراب.
۸. مارزلف، اولریش. (۱۳۹۱). طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی. ترجمه کیکاووس جهان‌داری. ج ۳. تهران: سروش.

ب) مقاله‌ها

۹. حق‌شناس، علی‌محمد و خدیش، پگاه. (۱۳۸۷). "یافته‌های نو در ریخت‌شناسی افسانه‌های جادویی ایران". در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ش ۱۸۶، تابستان. صص ۲۷ - ۳۹.
۱۰. قافله‌باشی، سیداسماعیل و بهروز، سیده زیبا. (۱۳۸۶). "نقد ریخت‌شناسی حکایت‌های کشف‌المحجوب و تذکره‌الاولیا". در مجله فصل‌نامه پژوهش‌های ادبی. سال پنجم. ش ۱۸. صص ۱۱۷ - ۱۴۰.
۱۱. بهنام، مینا. (۱۳۸۹). "ریخت‌شناسی داستان حسنک وزیر به روایت بیهقی". در فصل‌نامه گوهر گویا. سال چهارم. ش ۱ بهار. صص ۱۳۱ - ۱۵۰.
۱۲. یارسا، سیداحمد و صلواتی، لاله. (۱۳۸۹). "ریخت‌شناسی حکایت‌های کلیله و دمنه نصرالله منشی". در مجله بوستان ادب. سال دوم. ش ۲. زمستان. صص ۴۷ - ۷۷.